قدس
رواق
ویژه فرهنگ و معارف رضوی
سال اول | ویژه نامه ۱۱۷

موعظه
از کجا بفهمیم که شیطان چه وقت می‌آید؟
۲

آیت الله علیدوست: انقلاب در تربیت نیروی حوزوی و دانشگاهی نمره قبولی می گیرد
پیش به سوی وفاق عملی
۲

قدردانی نماینده ولی فقیه در خوزستان از خدمات آستان قدس رضوی
۴

قطارنوشت
روزهایی که کنار هم بودیم
۲

«همرنگ شدن با جماعت» مغالطه‌ای برای مقابله با حجاب است
۲

درباره «رادکان» که روزگاری در مسیر کاروان‌های زائران حرم رضوی بود

منزلگاه تاریخی زائران ثامن‌الحجج(ع)

زنده‌یاد استاد عزیزالله عطاردی، مورخ و پژوهشگر بزرگ معاصر، در کتاب ارزشمند «فرهنگ خراسان» می‌نویسد: «رادکان در گذشته بر سر راه کاروان‌هایی بوده که از خبوشان(قوچان)، جرمقان(بجنورد)، جرجان(گنبد کاووس) و استرآباد(گرگان) و یا نواحی غربی خوارزم به طوس و سرخس می‌رفته‌اند و تا حدود ۵۰ سال پیش رادکان یکی از منازل کاروانیان و مسافران و زائران امام رضا(ع) بود و در منطقه اهمیت و شهرت فراوانی داشت».

برای بیشتر اهالی مشهد و شهرهای مجاور آن، رادکان مکانی شناخته شده و دیدنی است؛ هر چند زائران امام رضا(ع)، امروزه اطلاع چندانی از آن ندارند و بی آنکه نامش را بشنوند، مسیر زیارتی را طی می‌کنند و به حرم مطهر مشرف می‌شوند؛ اما دور نیست زمانی که نام رادکان، دل کاروانیانی را که از نقاط دوردست به سوی مشهد رهسپار بودند، به تپش وامی‌داشت و شوق زیارت و دیدار مضجع شریف عالم آل‌محمد(ع) را در دلشان صدچندان می‌کرد؛ رادکان، یکی از واپسین منزلگاه‌های کاروان‌های زیارتی، پیش از رسیدن به مشهدالرضا(ع) بود. در صفحه رواق امروز، می‌خواهیم درباره تاریخ این منزلگاه کهن، بیشتر بدانیم و بخوانیم....

۴

یک روز در بانک خون بیمارستان رضوی

جریان زندگی به رنگ سرخ

محمدحسین مروج کاشانی | خون اصلی‌ترین و پیچیده‌ترین مایع جاری در بدن است که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر علم پزشکی هیچ جایگزینی برای این مایع حیاتی تاکنون کشف نشده است، حال آنکه روزانه تعداد بسیار زیادی از مردم به تزریق خون نیاز پیدا می‌کنند. این‌ها بخشی از سخنان «بیژن ایزدپناه» کارشناس مسئول بانک خون بیمارستان فوق تخصصی رضوی است. به مناسبت روز «اهدای خون» به سراغ وی رفتیم و با او درباره اهمیت اهدای خون به گفت‌وگو پرداختیم. وی دارای مدرک کارشناسی علوم آزمایشگاهی بوده و حدود ۱۰ سال در بخش آزمایشگاه بیمارستان رضوی مشغول فعالیت است.

■ **اهدای خون؛ «بهترین هدیه» برای تداوم زندگی بیماران**

کارشناس مسئول بانک خون بیمارستان فوق تخصصی رضوی با بیان اینکه با بخشیدن خون خود به دیگران می‌توان در راستای نجات جان آن‌ها تلاش کرد، گفت: تحقیقات پژوهشگران حاکی است که اهدای خون نه تنها سلامتی فرد سالم را با خطر مواجه نمی‌کند، بلکه برعکس از او در برابر ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها نیز محافظت می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت اهدای خون نه تنها به فرد دریافت‌کننده کمک می‌کند که مزایای بسیاری نیز برای فرد اهداکننده دارد.

این کارشناس مسئول بانک خون اظهار می‌دارد: بدون کمک داوطلبانه افرادی که مرتب خون اهدا می‌کنند، برخی خدمات درمانی متوقف می‌شود. با این حال تمامی کشورهای دنیا تجهیزات کافی برای نگهداری خون و پیشگیری از فاسد شدن آن را ندارند. از طرف دیگر لازم است دولت‌ها مردم را از ضرورت ذخیره خون و اهمیت مشارکت آن‌ها در این راستا آگاه کرده و به فرهنگ‌سازی و ضرورت ترغیب افراد و همچنین گسترش فناوری‌های مفید برای آن تأکید کنند.

به گفته وی در این زمینه لازم است کشورها از آموزش مسائلی همچون بهبود شیوه‌های جمع‌آوری، نگهداری و تحویل خون غافل نمانند؛ چرا که فرایند پیچیده انتقال خون از فردی به فرد دیگر همواره با مشکلات بسیاری در سراسر جهان مواجه بوده و افزایش آگاهی در این زمینه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

■ **بانک خون برگزیده و دارای گواهی‌نامه ACI از کانادا**

کارشناس مسئول بانک خون بیمارستان فوق تخصصی رضوی در زمینه میزان مصرف سالانه خون و فراورده‌های خونی در بیمارستان رضوی نیز می‌گوید: میزان مصرف سالانه بیش از ۱۵ هزار واحد است و میزان و حجم هر واحد هم بستگی به نوع فراورده خونی تهیه شده دارد که در احجام ۲۰، ۷۰، ۲۵۰، ۳۰۰، ۴۵۰ سی‌سی و... متغیر است. وی بیان می‌کند: این میزان (۱۵ هزار واحد مصرف سالیانه) شامل: پلاسمای تازه منجمد FFP حدود ۲هزار و ۵۰۰ واحد، «پلاکتPLT» حدود ۵ هزار واحد، «پلاکت آفرزیس» ۳۰۰ واحد، «گلبول قرمز متراکمRBC » حدود ۶هزار واحد، «گلبول قرمز متراکم شسته شده» حدود ۱۰ واحد، «گلبول قرمز کم‌لکوسیتLRBC» حدود۳۰ واحد، «گلبول قرمز کم‌لکوسیت اشعه دیده» حدود ۵ واحد، «کرایو (CRAYO)(یکی از فراورده‌های خونی دارای فاکتورهای انعقادی)» حدود ۳۵۰ واحد و... می‌شود.

این مقام مسئول تصریح می‌کند: بانک خون بیمارستان فوق تخصصی رضوی به طور مستمر و ماهیانه مورد بازدید مسئولان سازمان انتقال خون قرار می‌گیرد و به دلیل عملکرد مناسب در انجام آزمایش‌های کنترل کیفی و نحوه انجام آزمایش‌های گروه‌های خونی و سازگاری خون، بانک خون این بیمارستان در سال‌های گذشته به عنوان واحد نمونه در استان خراسان رضوی انتخاب شده است.

ایزدپناه خاطرنشان می‌کند: بانک خون بیمارستان رضوی تحت گواهی‌نامه ACI از کشور کانادا بوده که این گواهی‌نامه از معدود گواهی‌نامه‌های معتبر در سطح دنیاست که در زمینه عملکرد بانک‌های خون به بیمارستان‌های کشورها اعطا می‌شود و در ایران چند بیمارستان خاص از جمله بیمارستان رضوی دارای این گواهی‌نامه هستند.

وی یادآور می‌شود: یکی دیگر از خصوصیات بانک خون این بیمارستان این است که کیسه‌های خونی مصرف شده برای بیماران نیازمند، در یخچالی جداگانه و به مدت دست‌کم یک هفته برای پیگیری عوارض احتمالی مراحل انتقال خون نگهداری می‌شود.

■ **نگاهی متفاوت به خون و اهدای آن به بیماران**

کارشناس مسئول بانک خون بیمارستان فوق تخصصی رضوی در بیان دیدگاه خود درباره خون و اهدای خون می‌گوید: من به طور مستمر دست‌کم سالی دو بار خون اهدا می‌کنم. پیام انتقال خون، پیام تداوم زندگی است. وی ادامه می‌دهد: بانک خون به نظر من، ثروتمندترین بانک‌هاست، نه از نظر پولی و مادی، که از نظر معنوی و انسانی. اینجا محل نگهداری احساسات و عاطفه‌های افرادی است که برای رضای خداوند و احساس همنوع‌دوستی فداکاری کرده و خون خود را برای زندگی همنوعان اهدا کرده‌اند و سرمایه‌گذاران بانک خون، اجر اخروی و برکت در زندگی را از خداوند دریافت می‌کنند.

ایزدپناه تصریح می‌کند: خون جایگزین ندارد و ما انسان‌ها باید به نیازهای خونی همنوعان خود توجه کنیم. انتقال خون یعنی انتقال زندگی و حیاتی تازه که این انتقال از درون قطره قطره‌های خون به دیگران صورت می‌گیرد و خوشحالی و شادمانی بیمار نیازمند دریافت خون از این انتقال، قابل توصیف نیست.

این مقام مسئول تأکید می‌کند: بارها شده پزشک معالج براساس آزمایش‌ها و بررسی‌های پزشکی درخواست تعویض خون نوزاد بیماری را کرده است و من همیشه به این موضوع فکر می‌کنم که حیات و زندگی این گونه نوزادان وابسته به خون‌های اهدایی دیگران است. اهمیت اهدای خون در همین تداوم زندگی دیگران است.

گزیده

تحقیقات پژوهشگران حاکی است که اهدای خون نه تنها سلامتی فرد سالم را با خطر مواجه نمی‌کند، بلکه برعکس از او در برابر ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها نیز محافظت می‌کند.

خبر

توزیع غذای متبرک حضرت بین کادر پرواز در فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد

برکت پرواز تا مشهد الرضا(ع)

در شبی که به ولادت حضرت موسی بن جعفر(ع)، متبرک شده بود ، مدیریت امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی به همراه خادمان رضوی، برای نخستین بار از کادر پرواز روی باند فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد با غذای متبرک حضرت پذیرایی کردند.

خدمه و کادر پرواز فکرش را هم نمی‌کردند که این سفر به مشهدالرضا(ع) با همه سفرهای عمرشان متفاوت باشد. سفرهایی که به مقصد شهر مشهد بودند اما معمولاً به زیارت حرم حضرت رضا(ع) ختم نمی‌شدند. آن‌ها فقط مأمور شده بودند تا میهمانان امام رئوف را در طول یک سفر تا شهر بهشت مشایعت و در سفر دیگری به شهر و دیارشان برگردانند. کادر پرواز در واقع ، نخستین و آخرین خدمتگزاران به زائران امام هشتم هستند اما خارج از محدوده حرم رضوی.به‌سراغ پروازی رفتیم که تازه روی باند نشسته و خدمه هنوز از هواپیما پایین نیامده بودند. یکی از مأموران امنیت پرواز از پله‌ها بالا رفت و در میان سروصدای معمول روی باند، زیر گوش کاپیتان گفت که قرار است میهمان شوند به غذای متبرک . از همان بالا تغییر ناگهانی چهره خلبان کاملاً پیدا بود. با لبخندی ، کادر پرواز را به خط کرد تا از دست خادمان حرم مطهر بسته‌های غذا را بگیرند.حسین رئیسی، خلبان پرواز گفت: نخستین باری نیست که میهمان آقا می‌شوم، ولی چون امروز در حال انجام وظیفه بودم، حس و حال حضور در حرم برایم تداعی شد. یکی از بانوان مهماندارکه اهل مشهد بود درباره حس و حالش از این پذیرایی گفت : امروز که به این شکل غافلگیرانه از غذای متبرک حضرت بهره‌مند شدم، معتقدم واقعاً طلبیده شدم.

نیمکت‌زندگی

خواب های پریشان می‌گذرد

رقیه توسلی | دقایقی می شود ماتش شده ام و از هر زاویه نگاه می کنم سرد و مرموز است. بچه هزارپایی که کنج قرنیز سالن چمباتمه زده برای خودش. به گمانم از وقتی کرونا آمده و فول ته نشینمان کرده، ریزبین تر شده ایم.

از تماشایش خسته می شوم و می‌روم توی لیست مخاطبان پی شماره ای که چشمم می افتد به اسامی که نباید. بی آنکه بخواهم ساز غم کوک می شود و می‌بینم ای دادبیداد! هفت شماره توی گوشی ام ذخیره شده که صاحبانشان رفته اند به‌رحمت خدا. سه تایشان در خلال همین ۱۵ ماه گذشته. کووید عزادارمان کرد. همه جور عزیزی توی آمار هست. زن، مرد، معمولی، مشهور، پیر، جوان. به یکباره دلتنگ همه شان می‌شوم و کلی خاطرات ریزودرشت هجوم می آورند توی بانک.

برای فرار از موقعیت توفانی، نگاهم را می چرخانم سمت بچه هزارپا. هنوز همانجاست. سمج و نترس. انگار نه انگار که بچه است. که جایش اینجا نیست. وسط این همه آدمِ یک سر و دو گوش که می توانند به طرفه العینی کارش را تمام کنند.

شماره ام را می خواند. می روم پشت باجه و مشغول می شوم. اما ذهنم دوجاست. نمی‌توانم صدای آقای مسنی که چند قدمی ام ایستاده و بلندبلند حرف می‌زند را استراق سمع نکنم. دارد پشت تلفن به کسی می گوید بانک او را خواسته، چون ضامن فخرالدینیِ مرحوم بوده. آن وقت به‌شدت از نامبرده که گویا کرونا او را با خودش برده، تعریف و خیرگویی می کند. می‌دانم و نمی دانم چرا ریب می‌زنم!! بابت دو قلم خوردگی از کارمند مربوط عذرخواهی می کنم. حواسم اصلاً جمع نیست. واقعاً که دلتنگی حرف حساب سرش نمی‌شود. شماره تلفن ها کار خودشان را کرده اند. کرونای نامرد کار خودش را کرده.

وقت رفتن برمی گردم سر وقت هزارپا. به قوت سر جایش نشسته است. نه تکانی، نه جابه‌جایی، هیچی... خدا می‌داند چقدر فکر می کنم این موجود شبیه ترین قیافه و رفتار را دارد به کرونا!

مکث

کارمند بانک مثل سابق سلام و علیکش گرم نیست. یعنی بعید می بینم جز اعداد، چیزی را ببیند این‌روزها. البته که حق هم دارد. خیلی هم حق دارد. خبر دارم بیماری حاد تنفسی خواهرش را از او گرفت.

پی نوشت

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می فرمایند: در برابر دنیایی که گرفتاری آن مانند خواب های پریشان می گذرد، شکیبا باش.

آن روزها

نگاهی به یک واقعیت تاریخی مغفول مانده

مشهدالرضا(ع) از چه زمانی پایتخت شد؟

محمدرضا انصافی | اینکه مشهد در دوره نادرشاه به عنوان پایتخت ایران برگزیده شد، یک سخن مشهور تاریخی است؛ آن‌قدر مشهور که حتی دانش‌آموزان دوره ابتدایی هم کاملاً از آن خبر دارند. البته این موضوع، یک واقعیت است، اما تمام واقعیت نیست. شهر مشهد از چند قرن قبل از قدرت گرفتن نادرشاه، به یک شهر بزرگ، پرجمعیت و دارای قدرت مادی و معنوی استوار تبدیل شده‌بود. مهدی سیدی در کتاب «تاریخ شهر مشهد» می‌نویسد: «می‌توان گفت که شهر مشهد برای اولین بار در دوره شاهرخ و بایسنقر و پسران وی، در حدود نیم قرن، از ۷۸۶ تا ۸۳۶ خورشیدی، حالتی پایتخت‌گونه داشت.

ویرانی همیشگی تابران توس به دست تیمور و انتقال جمعیت آن به مشهد نیز بر اهمیت این شهر در سده نُهُم افزود». این واقعیتی تاریخی است که معمولاً به آن توجه نمی‌شود. تا پیش از این دوره، مساحت اماکن متبرکه تنها شامل صحنی بسیار کوچک، روضه منوره با حدود ۱۰۰ مترمربع مساحت و مسجد بالاسر با کمتر از ۴۰ مترمربع وسعت، به علاوه برخی تأسیسات مختصر بود؛ اما از این تاریخ به بعد، شاهد رشد سریع اماکن متبرکه هستیم؛ مدرسه بالاسر، مدرسه پریزاد، دارالسیاده، دارالحفاظ و از همه مهم‌تر، مسجد بسیار باشکوه گوهرشاد، در همین دوره ساخته شدند. توجهی اینچنین به ساخت و سازهای شکوهمند در مشهد، از سوی تیموریان که به مراکز حکومتی خود بسیار بها می‌دادند، خبر از رشد جایگاه سیاسی مشهدالرضا(ع) در قرن نُهُم و در آستانه پایتخت شدن آن می‌دهد. به دیگر سخن، می‌توان رابطه‌ای منطقی میان گسترش بناهای حرم مطهر با افزایش توجه حاکمان تیموری به این شهر در نظر گرفت؛ رویکردی که نشان می‌دهد پیش از آنکه نادرشاه در سال ۱۱۱۴ مشهد را به عنوان پایتخت خود برگزیند، این شهر به دلیل جایگاه ویژه حضرت ثامن‌الحجج(ع) در میان ایرانیان، به عنوان پایتخت معنوی در دوره تیموری برگزیده شده بود؛ هر چند در فاصله ۲۷۸ ساله میان دو دوره مورد بحث، مشهد حوادث و رویدادهای بسیاری را از سر گذراند و گاه تا مرز ویرانی پیش رفت؛ اما به دلیل وجود حرم مطهر، هویت و اصالت آن باقی‌ماند و شکوه آن مستدام شد.

قطار نوشت

روزهایی که کنار هم بودیم

یاسمن ارجمندی| سر تا پایش هنوز کمی گلی بود و ساک سیاه رنگ چرمی‌اش را بر شانه انداخته بود. جایی نبود بتواند لباس‌هایش را عوض کند. با خودش فکر کرده بود در مسیر ایستگاه قطار دَرَود، لباسی تمیز بخرد که نتوانسته بود جایی را پیدا کند. دوباره لباس‌هایش را تکاند و سعی کرد با بطری آب معدنی کوچکی که داشت، پوتین‌هایش را تمیز کند. خانواده سه نفری لرستانی که از راه رسیدند دست از تمیز کردن کفش‌ها کشید و نگاهش را به چهره خسته آن‌ها داد. به چهره‌شان می‌خورد که آن‌ها هم زخمی سیل این روزها باشند. چمدان و ساک زیادی داشتند و چهره‌هایی خسته و رنجور که نشان از بی‌خوابی زیاد بود. مرد احوالپرسی کرد و دیگر نخواست خلوت آن‌ها را بر هم زند. به سمت رستوران قطار رفت تا خوراکی بخرد. از شب قبل که سر دیگ غذای سیل‌زده‌ها کمک کرده و کمی هم از آن خورده بود، دیگر چیزی نخورده بود. چند بیسکویت و آبمیوه خرید تا از همسفرانش هم پذیرایی کند. پیرمرد که آبمیوه را برداشت، گفت: «به شما نمی‌آید لر باشی... شما هم سیل‌زده‌ای؟».

«نه اما معمولون و پلدختر بودم».

«پس حتماً از نیروهای جهادی بودی».

مرد سرش را زیر انداخت و انگار نخواست جوابی بدهد. پیرمرد که سکوت او را دید شروع به دعا کرد و از جهادگرانی گفت که همین دختر کوچکش، فاطمه را از باغ انجیر تجارت داده بودند. مرد تمام حواسش را به پیرمرد داد و با محبت نگاهش کرد. این روزهای سخت غیر از امدادرسانی، طبخ غذا، لایروبی خانه‌ها و معابر و خلاصه هر آنچه از دستش برمی‌آمد کار دیگری که خوب انجام می‌داد، گوش دادن به دردِدل مردم سیل‌زده بود. آن‌ها که همه وسایل زندگی، خانه و باغشان را از دست داده بودند و حالا هیچ چیز نداشتند. پیرمرد هم آن طور که می‌گفت اهل روستایی از معمولان و باغدار بود. می‌گفت روستایشان دو روز در سیل محاصره بوده و بالاخره با کمک هلال احمر و نیروهای جهادی نجات پیدا کردند. همین که توانستند وسایلی را جمع کنند و از آنجا بیرون بیایند، جای شکرش باقی بود. مرد با علاقه عجیبی به بقیه حرف‌های پیرمرد لر گوش می‌داد. آدم عجیبی بود. میان تمام دردِدل‌هایش شکوه و گلایه نبود. تمامش شکر بود و امید. می‌گفت با زنش و دخترش فاطمه به مشهد، خانه برادرش می‌روند و بقیه فرزندانش ازدواج کرده و خرم‌آباد زندگی می‌کنند. دخترش را روی پا نشاند و موهای طلایی شانه نکرده‌اش را نوازش کرد. دخترک ۳سالِه به نظر می‌رسید. مرد بیسکویت دیگری تعارف فاطمه کرد و به روی خندانش لبخندی زد. او هم خندید و تعارفی را گرفت و مرد هم انگار تمامی خستگی‌های این دو هفته‌اش را فراموش کرد. پاهایش را از پوتین درآورد و روی صندلی چهارطول طوری کشید تا دوباره قد راست کنند و خانه‌شان دوباره سرپا شود.

خستگی نیمه‌خواب شده بود و همسرش هم چمدان روی صورت انداخته بود و حتماً تا حالا خوابش برده بود. خدا می‌داند این خانواده چه کشیده بودند. مرد بعد دو هفته به خانه گرم و تمیزش در مشهد برمی‌گشت تا تجدید قوا کند. شاید دوباره برای کمک راهی می‌شد اما امثال این خانواده‌ها چقدر طول می‌کشید تا دوباره قد راست کنند و خانه‌شان دوباره سرپا شود.

موعظه

شیخ عبدالکریم حق‌شناس

ز اخبار بفهمیم که شیطان چه وقت می‌آید؟

این امام صادق(ع) شما فرمودی: هر وقت شیطان آمد به پروردگار پناه ببر، ما از کجا بفهمیم که شیطان چه وقت می‌آید؟ آیا ما می‌توانیم و سوسه‌های او را تشخیص دهیم؟ فرمود: «ولن تقدر علی هذا»؛ یعنی هرگز قدرت نداری و نمی‌توانی راه آمدن شیطان را پیدا کنی و بفهمی این القایی که در نفس تو شده، آیا از جانب فرشته است یا از جانب شیطان. این امام دستور داده‌اند: «الا بدوام المراقبه و الاستقامه علی بساط الخدمه و هیبه المطلع و کثره الذکر»؛ یعنی سه چیز را اگر داشته باشی، می‌فهمی که آیا این وسوسه شیطان است یا الهام ملک است. اول، مراقبه است. خدا علامه طباطبایی را رحمت کند که می‌فرمود: اول مراقبه، دوم مراقبه، آخر هم مراقبه؛ یعنی همان طور که یک نگهبان مراقب است باید مثلاً یک نظامی پاس می‌دهد باید مراقب باشید. یک نگهبان، هم مسلح است و هم انگشتش روی ماشه تفنگ است که اگر ناشناسی بیاید و او را مطلع نکند، به او شلیک می‌کند! همان طور باید مراقب باشی که این خبیث پیدا کنی و بفهمی که تو را پیدا نکند و خود را در حضور پروردگار بدانی. یک پلک زدن غافل از آن ماه نباشی شاید که نگاهی کند، آگاه نباشی

دوم، استقامت و پایداری است. باید در بساط خدمتی که در محضر پروردگار برای شما فراهم شده است، خوب خدمت کنید و قدرش را بدانید. اگر فرصت خدمت را در این متجر از دست بدهید، هم سرمایه‌تان از دست رفته و هم راهی برای تسلط شیطان باز کرده‌اید. سوم، هول مطلع است. حضرت امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «ایکی لخصلتین هول المطلع و فراق الاحبه»، هول مطلع آن است که پروردگار از اعمال تو اطلاع دارد؛ یعنی در قیامت، یک موقعیتی فراهم می‌شود که تو هستی و خدا! «والسلام»، او یکی یکی تذکر می‌دهد که در فلان صحنه این کار را کردی، در فلان ساعت این راه را رفتی و...! این موقف بسیار سنگین است و شاید در قیامت صحنه‌های سنگین‌تر از آن نباشد. چهارم، کثرت ذکر الله است آقاجان! به مجنون گفتند: حق با مماویه بود یا با علی(ع)؟ گفت: حق با لیلی بود. چون به غیر از لیلی، کسی را به خاطر نداشت و نمی‌دید. تو هم خدا را باید ببینی و فقط او را به یاد داشته باشی. این چند مورد را که مراقبت کنید، ان‌شاءالله آن وقت می‌فهمید که شیطان کی آمد و این وسوسه شیطانی است یا الهام ربانی.

(مواعظ، ایمان ماندگار، ج۱، ص۱۳۴)

هر که تمامت دوستی خود را برای تو فراهم آورد، تو نیز تمامت طاعت خود را برایش فراهم آور .

حق را بگو و در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری نهراس.

حواشی

امام رضایی‌ها

روایتی از دیدار خادمیاران شیروان با مادر شهید روستای گلیان

پسرم برگشت

تصمیم گرفته بودیم برای تکریم مادران شهدا قدمی برداریم. با هماهنگی کانون تخصصی میثاق با شهدای شهرستان شیروان توسط جانباز مدافع حرم و جمعی از دوستان کانون خادمیاران شهرستان و مسئولان سازمان سما شیروان می‌خواستیم این خواسته را در ایام ولادت حضرت زهرا(س) و یادسالشت مقام مادر عملی کنیم. پس از مشورت با بنیاد شهید و برگزاری جلسات، تصمیم بر آن شد از مادر دو خانواده شهید تجلیل به عمل بیاوریم. روزی که قرار بود هماهنگی نهایی صورت بگیرد یک دفعه تماس گرفتند و یک خانواده دیدار را لغو کردند. در همین احوالات بودیم که یکی از عزیزان پیش ما آمد و گفت خانواده شهیدی در روستای گلیان سراغ دارد که تا الان هیچ کدام از مسئولان سراغی از آن‌ها نگرفته‌اند. خانواده شهید رضا سلیمیان که خیلی مظلوم واقع شده‌اند. این حرف‌ها موجب شد همه عزممان جزم شود که برای تجلیل به خانه همین مادر شهید برویم و دل شکسته‌اش را با این دیدار شاد کنیم.

■ **توفیقی که حاصل شد**

هماهنگی‌ها که صورت گرفت، آماده حرکت شدیم. نظر دوستان این بود حتماً از روحانیان هم یک نفر همراهمان باشد. معاون خادمیاران از چند نفر خبر گرفت که نتوانستند بیایند. ناگهان یکی از دوستان، رئیس حوزه علمیه برادران برای این دیدار معنوی به ذهنش رسید. تماس گرفتیم و گفتیم می‌خواهیم برویم دیدن مادر شهید. دیدیم پشت گوشی بغض صدایش را گرفت و سریع اعلام حضور کرد. وقتی سوار ماشین شد علت دگرگونی حالش را پرسیدیم. جواب داد: «راستش خیلی دلم گرفته بود و داشتم حسرت می‌کشیدم که من همیشه روز ولادت حضرت زهرا(س) دیدار با مادر شهدا داشتم و امسال نتوانستم چنین توفیقی بدست بیاورم. توی دلم آشوب بود و واقعاً به هم ریخته بودم. نزدیک غروب رو به امام رضا(ع) کردم تا کلایه کنم که گوشی زنگ خورد».

■ **قرآنم منتظرم است**

از کوچه پسکوچه‌های روستای گلیان گذشتیم و سرانجام به در منزل مادر شهید رسیدیم. لحظاتی بعد وارد حیاط خانه شدیم. یک حیاط کوچک با ساختمان و بنایی قدیمی و سقف چوبی. خانه‌ای شبیه خانه خیلی از مادران شهدا. ساده و کوچک اما باصفا. مادر شهید به پیشوازمان آمد و ما را که خادمیاران آقایش بودیم، گرامی داشت. مهربان بود و خودمانی و از خصوصیات فرزند شهیدش برایمان می‌گفت: «همه‌ش ۲۰ روز مانده بود دیپلم بگیرد که می‌خواست جبهه برود. هر چه اصرار می‌کرد می‌گفتم اول دیپلمت را بگیر، بعد برو». چشم‌های مادر به دوردست‌ها راه کشید و خاطرات رضایش را مرور کرد: «همیشه با خودش قرآن داشت و قرآن می‌خواند. یک بار که مریض شده بود. رفتم بیمارستان عیادتش. دیدم قرآنش نیست. پرسیدم: قرآنت کو رضا؟ با خنده جواب داد: قرآنم رفته منطقه. منتظر مانده من هم بروم. قرآن را به یکی از دوستانش داده بود و او هم با خودش به جبهه برده بود».

آهی کشید و ادامه داد: «هنوز سه ماه نشده، پسرم شهید شد. همان یک باری که رفت دیگر برنگشت. عملیات کربلای ۴ و ۵ شرکت کرد و بعد، شهادت. همه‌ش ۱۷ سال داشت». لحظاتی سکوت بر اتاق کوچک پیرزن حاکم شد و باز صدایش در فضا پیچید: «خیلی با خودم گلایه می‌کردم و ناراحت بودم که یک شب امام خمینی را خواب دیدم. به هم گفت این قدر بی‌تابی نکن. پسرت برمی‌گرده». بغض گلویش را گرفت و خیسی اشک میان چشم‌هایش نشست: «امام راست می‌گفت. پسرم برگشت. الان چندین سال می‌شود که پسرم کنارم هست. هر روز صبح ۶-۵ دقیقه پیش از اذان صبح صدایش توی گوشم می‌پیچد که می‌گوید: «مادر! مادر! پاشو اذان شده».

تهیه‌وتنظیم: مرتضی باقری - خبرنگار استان‌ویژه‌ از خراسان شمالی

حجاب یعنی این زن هست که انتخاب می‌کند

اگر با هم رنگ شدن ما با آن‌ها قرار بود هیچ مشکلی پیش نیاید در غرب هم نباید هیچ اتفاقی بیفتد در صورتی که ما شاهد این هستیم که آن‌ها با این شکل از پوشش نتوانستند مشکلات اخلاقی‌شان را حل کنند. ابتذال از سمت غرب در حال پیشروی است که ما شاهد این هستیم که آن‌ها با این شکل از پوشش نتوانستند مشکلات اخلاقی‌شان را حل کنند. ابتذال از سمت غرب در حال پیشروی است که به طوری که دنبال درمان هستند اما در همین امر نیز هنوز منفعت‌طلبی‌ها نقش دارد. حجاب یعنی این زن هست که انتخاب می‌کند و این انتخابگری از جانب خود خانم‌ها لذت‌بخش است.

درنگ

«همرنگ شدن با جماعت» مغالطه‌ای برای مقابله با حجاب است

هر آنچه مظهر ادیان آسمانی باشد در سیستم‌های لیبرال دموکراسی با آن مبارزه می‌شود و در مورد مبحث حجاب هم سه نوع مخالفت وجود دارد؛ مخالفت یک گروه بر مبنای تفکر حاکم بر نظام نوین جهانی است. طبیعی است زن مسلمان محجبه با هیئت چادر و این نوع حضورش در جامعه به عنوان یک پرچم مخالف بروز و ظهور می‌یابد و هر چه تعداد این پرچم‌ها بیشتر باشد، نظام نوین جهانی را نگران می‌کند. پس اینجا پرچم اسلام با خودآگاه یا بالا می‌رود و حضور زن محجبه با این هیئت بر خلاف تفکر حاکم بر نظام نوین جهانی است. بنابراین آن‌ها تمام هم و غم خود را متمرکز می‌کنند برای مخالفت با آن و در اتاق‌های فکرشان فعالیت می‌کنند تا این مسئله را کمرنگ کنند تا سرانجام اتفاقی همانند کشور فرانسه رخ دهد و منع حجاب قانونی شود. هدف آن‌ها این است که این جلوه ظاهری حجاب نباشد، جلو چشم نباشد، تمام برندهای برتر کنار تی‌شرت‌ها و لباس‌ها جلو و پشت لباس‌ها اسم خودشان را بُلد می‌کنند چون با این کار روی نگاه هر بیننده‌ای کار روانی انجام می‌دهند. این دقیقاً همان نکته‌ای است که در ادیان هم به آن اشاره می‌شود که برای فرهنگ‌سازی یک امر باید آن را جلو دید و چشم مخاطب قرار داد. این سیستم و روش در تمامی انواع تفکرات جهانی بدیهی است.

گروه دوم، گروهی هستند که به اصطلاح از این تبلیغات ترسیده‌اند یعنی تحت تأثیر تبلیغات فرهنگی هستند و می‌ترسند زندگی‌شان سخت شود. حتی در کشور خودمان گاهی می‌بینیم دین کنار زندگی و به عنوان یک تکلیف مطرح می‌شود و همچون باری سخت بر دوش زن احساس می‌شود و کار زن شاق می‌شود پس نوع ادبیاتی که این گروه استفاده می‌کنند این گونه است که چرا آقایان حجاب نداشته باشند؟ به آن‌ها بگویید نقاه نکنند؟ چرا ما خودمان را به سختی بیندازیم! این گروه تحت تأثیر آن تبلیغات هستند و در این تبلیغات دائم به آن‌ها یادآوری و القا می‌شود که ما راحتی شما را می‌خواهیم.

گروه سوم، گروهی کاملاً راحت‌طلب هستند که این امر می‌تواند خارج از مدنیت باشد. اگر ما بخواهیم هر طوری که می‌خواهیم راحت باشیم، ۱۰۰ درصد برخی از اقشار جامعه به مشقت خواهند افتاد. این سه گروه را در بحث حجاب داریم و طبیعی است که نسبت به حجاب مقاومت می‌کنند ولی گروه اصلی همان گروه اول هستند.

من هفت سال در آلمان زندگی کردم و آنجا خیلی از هموطنان خودمان به من و امثال من می‌گفتند شما با این پوشش بیشتر جلب توجه می‌کنید ولی اگر شکل خود غربی‌ها لباس بپوشید کسی شما را نگاه نمی‌کند. این یکی از همان مغالطه‌هاست! چرا که ما با نوع نگاه و نوع پوشش افراد و با نوع محرکاتی که در ذهن سایر افراد جامعه ایجاد می‌شود، کار داریم. اگر با همرنگ شدن ما با آن‌ها قرار بود هیچ مشکلی پیش نیاید در غرب هم نباید هیچ اتفاقی بیفتد در صورتی که ما شاهد این هستیم که آن‌ها با این شکل از پوشش نتوانستند مشکلات اخلاقی‌شان را حل کنند. ابتذال از سمت غرب در حال پیشروی است به طوری که دنبال درمان هستند اما در همین امر نیز هنوز منفعت‌طلبی‌ها نقش دارد. حجاب یعنی این زن هست که انتخاب می‌کند و این انتخابگری از جانب خود خانم‌ها لذت‌بخش است.

برگرفته از سخنرانی فاطمه منتظری

پژوهشگر خانواده در برنامه «چراغ»/ مهر

آیت‌الله علیدوست: انقلاب در تربیت نیروی حوزوی و دانشگاهی نمره قبولی می‌گیرد

پیش به سوی وفاق عملی

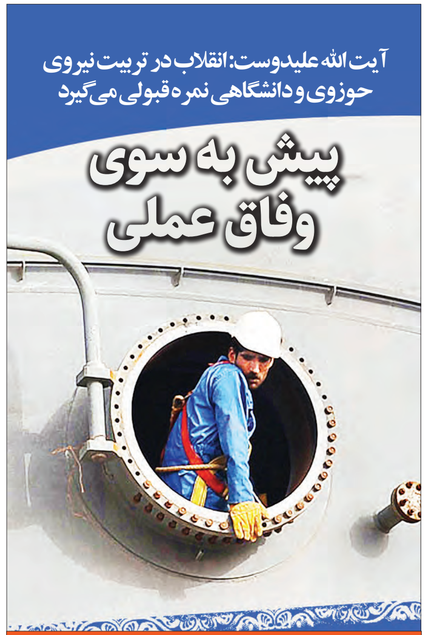

در نهایت ما به این رسیدیم که تشکیل حکومت اولاً جایز است در مقابل اندیشه رقیب که می‌گوید ممنوع است، دوم اینکه واجب است در مقابل اندیشه‌ای که می‌گوید اگر همه زمینه‌ها هم آماده شود شما می‌توانید قبول نکنید و سوم اینکه واجب مطلق است یعنی اینکه باید اسباب آن نیز به طور معقول انجام شود.

گزیده

پارسا نیکوکار| با پایان کار دولت دوازدهم و در آستانه شروع به کار دولت سیزدهم بر آن شدیم که نیم‌نگاهی به مسئله دولت اسلامی و رسالت حوزه‌های علمیه در قبال آن داشته باشیم.

آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از استادان سطوح عالی حوزه در این خصوص سخنانی مطرح کرده که ما در قالب گفتار گزیده‌ای از این سخنان را در ادامه می‌آوریم.

■ **قرائت امام خمینی(ره) از دین و انقلاب**

آیت‌الله علیدوست در پاسخ به پرسشی مبنی بر میزان و نحوه شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر اساس قرائت امام خمینی(ره) از دین و انقلاب می‌گوید: یک دفعه ما بحث را از اینجا شروع می‌کنیم که آیا تشکیل حکومت در عصر غیبت بر اساس شریعت را قبول دارید یا خیر و اگر قبول دارید آن را واجب می‌دانید یا خیر؟ در ادامه اگر واجب می‌دانید، واجب مطلق یا واجب مشروط می‌دانید. ما تا این سؤال را حل نکنیم، بقیه سؤال‌ها مثل خانه‌ای است که روی برف ساخته شده باشد.

■ **تشکیل حکومت جایز است**

من شما را به درس‌های خودم ناظر بر فقه سیاسی حواله می‌دهم که در آنجا به این رسیدم که تشکیل حکومت جایز است. این گام نخست. در این گام باید تمام دلایلی که مبنی بر منع تشکیل حکومت عقلاً و نقلاً اقامه شده است را جواب دهیم و به گمان خودم به این سؤالات جواب داده‌ام.

علیدوست با بیان اینکه پس از پاسخ مبنی بر جواز حکومت باید به این سؤال پاسخ داد که آیا تشکیل حکومت واجب است یا خیر، ادامه می‌دهد: ما در آنجا به این رسیدیم که چون شریعت مطهر اهداف دارد و این اهداف باید پیاده شود و پیاده شدن در سایه حکومت ممکن است، پس تشکیل حکومت واجب می‌شود.

واجب دو رقم است مثلاً حج واجب و نماز هر دو واجب هستند اما حج واجب مشروط است یعنی شما لازم نیست که مستطیع شوید ولی برای نماز شما باید اسباب آن را آماده کنید. در نهایت به این رسیدیم که تشکیل حکومت اولاً جایز است در مقابل اندیشه رقیب که می‌گوید ممنوع است، دوم اینکه واجب است در مقابل اندیشه‌ای که می‌گوید اگر همه زمینه‌ها هم آماده شود شما می‌توانید قبول نکنید و سوم اینکه واجب مطلق است یعنی اینکه باید اسباب آن نیز به طور معقول انجام شود.

■ **تفاوت بین نگاه رهبری و امام نیست**

علیدوست در پاسخ به پرسشی مبنی بر میزان هم‌راستا بودن نگاه رهبر انقلاب در باب ضرورت تشکیل حکومت و هم دولت اسلامی با نگاه حضرت امام(ره) نیز می‌گوید: من تفاوتی نمی‌بینم. قطعاً کسی که رهبری نظام را دارد نمی‌تواند به این عقیده نباشد. رفتارها و سخنرانی‌های ایشان نیز همین قضیه را تأیید می‌کند.

جواب من به پرسش شما عینیت است یعنی حتی در امتداد هم که من به برخی از اختلاف‌ها اشاره کردم، من بین ایشان و مرحوم امام خمینی اختلافی نمی‌بینم.

■ **انتقادها معنایش انتقاد از شخص نیست**

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان در خصوص نحوه تشکیل و حکمرانی نیز انتقادی به جمهوری اسلامی وارد کرد یا خیر، اضافه می‌کند: پرسش سختی است برای اینکه انسان خارج از کُود می‌خواهد انتقادی را وارد کند اما به این معنا نیست که من نمی‌خواهم جواب این سؤال را ندهم. اگر ما به این نتیجه رسیدیم که بعضی از انتقادها وارد است معنایش این نیست که ما شخص را داریم نقد می‌کنیم. اگر به یاد داشته باشید در برنامه شوکران وقتی آقای مجری از من پرسید آیا شما امام خمینی(ره) را قابل نقد می‌دانید یا نه، من در جواب گفتم که ما علی‌الحساب ۱۵ معصوم نداریم و من عصمت‌انگاری را غلط می‌دانم.

■ **اگر عملکردها نقد می‌شد و افراد مورد هجمه قرار نمی‌گرفتند**

ممکن است به طور موقت برخی از اهداف ما را تأمین کند ولی ما ماکیاولیسم نیستیم که بخواهیم جلو برویم اما به او گفتم که نقد عملکرد، غیر از نقد شخص است و اکنون که دارم با شما صحبت می‌کنم این قضیه را یک آسیب بزرگ در کشور می‌دانم.

شما تصور کنید اگر عملکردها نقد می‌شد و افراد مورد هجمه و طعنه قرار نمی‌گرفتند ما چه وضعیت اخلاقی می‌داشتیم تا الان که ابتدا به نفر مورد نقدمان چند فحش می‌دهیم که ما خواهیم نقد کنیم.

وی در خصوص الگوی رابطه حاکم اسلامی با کارگزار اسلامی نیز این گونه می‌گوید: رابطه کسی که در رأس هرم قدرت قرار دارد با کارگزارانی که خودش نصب می‌کند- حالا آن‌هایی که مردم انتخاب می‌کنند بحث دیگری دارد- اینکه چه الگویی باید اینجا باشد یک بحث الگوی نظری است و یک بحث نیز الگوی عملی و اجرایی است. از نظر الگوی نظری تئوری‌پردازان ما هم الگوی اسلامی و هم الگوی عقلی، عقلایی و انسانی داریم. جالب است که این‌ها هیچ کدام نیز با همدیگر منافاتی ندارند. بالاخره شریعت مطهر یک دستوراتی دارد.

ما نامه مالک‌اشتر را داریم که حضرت امیر(ع) در آن الگویی را مطرح می‌کنند که ما باید برویم و آن را استخراج کنیم. اصلاً خودِ انسان در طول تاریخ به الگوهای خوبی رسیده است که باید آن الگوها در بعد نظر اجرا شود. منتها من فکر می‌کنم مشکل ما بعد نظر نیست بلکه بعد اجرا و بعد عمل است.

■ **درتربیت نیرو نمره نظام نزدیک به ۲۰ است**

در اینجا اگر بخواهیم از حاکمیت شروع کنیم، حاکمیت باید یک بایسته‌هایی را در نظر بگیرد. من مثال می‌زنم که ما در این ۴۰ سال انقلاب- فعلاً این پرسش که چقدر موفق بوده‌ایم را کنار بگذاریم- معتقدم در یک چیز که نمره نظام و انقلاب نزدیک به ۲۰ است، آن تربیت نیرو است که در دانشگاه و حوزه در این ۴۰ سال چقدر نیرو تربیت شده است. حاکمیت در همه ابعادش باید این‌ها را شناسایی کند.

■ **حاکمیت نباید بگذارد مغزها فرار کنند**

حاکمیت نباید بگذارد مغزها فرار کنند و از آن بدتر مغزها فرسایش پیدا کنند. این وظیفه حاکمیت است و نه کسی که می‌خواهد آن‌ها را نصب کند. خوب باید این نیروها شناسایی شوند که این نخبگانِ ما و وظیفه است و از این نیروها استفاده شود.

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم در پاسخ به پرسشی در خصوص حوزه انقلابی و سکولار نیز می‌گوید: فرض کنید در داخل کشور و نظام وقتی ما افراد را نگاه می‌کنیم، دو نفر را با همدیگر در نظر بگیرید که گاهی این دو نفر نه اشتراک در راهبرد دارند و نه در تاکتیک.

مثلاً یکی انقلابی است و طرف مقابل کاملاً ضدانقلابی است. اما گاهی اوقات دو نفر هم در راهبرد و هم تاکتیک با همدیگر متحد هستند. این وسط قهراً دو شکل دیگر نیز وجود دارد؛ یکی این است که در راهبرد و مبنا متحد هستند اما اختلاف سلیقه دارند یعنی در تاکتیک با هم اختلاف دارند و عکس نیز متصور است یعنی مبنا مختلف است ولی منافقانه تاکتیک واحدی دارند یعنی یک نفر با اعتقاد حرف می‌زند ولی دیگری اعتقاد هم ندارد ولی ممکن است آن حرف را بزند.

مثلاً در بحث‌های خودمان نظام را قبول دارد، رهبری را قبول دارد و حتی شخص رهبر و حوزه را نیز قبول دارد ولی می‌بینید در تاکتیک یکی یک جور موضع می‌گیرد و دیگری به شکل دیگری موضع می‌گیرد و من تالث که می‌خواهم بگویم این است که یک از این تاکتیک‌ها موافق قضاوت کنم یا یکی از این تاکتیک‌ها موافق هستم.

اینجاست که قضاوت سخت می‌شود و انسان خدای نکرده ایمانش را از دست می‌دهد. پس این شد اصل مطلب که خیلی از مسائل را حل می‌کند. اینجاست که ممکن است دو سلیقه پیدا شود، حالا ممکن است این سلیقه‌ها در عملکردها نیز بیایند.

مثلاً فرض کنید یک نفر تک‌تیرانداز شود ولی یک نفر بخواهد نیروی فکری آن جریان بشود. خب این‌ها دو تاکتیک و دو روش است ولی راهبرد واحد است.

■ **خاطره‌ای از مرحوم یزدی**

یادم نمی‌رود این اواخر با آقای یزدی در جامعه مدرسین روی موضوعی با هم بحث کردیم و من از ایشان پرسیدم استاد انقلابی را چه معنا می‌کنید؟ آن کسی که در یک خطبه ۱۸ بار بگوید رهبر معظم انقلاب؟ یکی از آقایان جواب داد که نه آقای علیدوست ما نمی‌گوییم که کسی ۱۸ بار در خطبه‌اش بگوید بلکه ما معتقدیم اگر امروز آقا یک موضعی گرفتند فردا صبح در درسش بگوید. من دیگر نوبت صحبت نداشتم ولی عقیده من این نیست.

آنچه را که ما می‌توانیم روی آن مانور بدهیم و درست و وظیفه است وفاق عملی است. یعنی ما نباید وقتی رهبری مطلبی را می‌گویند بخواهیم بر آن حاشیه بزنیم.

وی از آن طرف هم ریحانه در زندگی‌اش بیاید، نمی‌توانست اتفاقی باشد. همه چیز از همان خواب مادر و شروع خادمی امام رضا(ع) شروع شد. وقتی برای نخستین بار چوب‌پر خادمی در خانه‌اش گرفت و وارد کشیک حرم شد خودش هم باورش نمی‌شد خدمتگزار زائران حضرت شده است. اصلا او کجا و اینجا کجا. این‌ها همه از دعاهای مادر بود و خواب خیری که برایش دیده بود. اینکه او می‌دانست حضرت او را الان هم می‌بیند و هوایش را دارد، آرامش کرد. روبه‌روی آینه نشست و از توی آینه به صورت معصوم ریحانه زل زد. نگرانی را در چهره او هم دید. «شروع زندگی جدید برای دخترها استرس بیشتری دارد....» این را دیشب مادر به او گفته بود و کلی هم بعد آن نصیحتش کرده بود که باید همیشه هوای همسرش را داشته باشد. از همین امروز که روز عقدشان بود. عاقد که خطبه را تمام کرد و ریحانه بله را گفت، پدرعروس دستشان را در دست هم گذاشت. قلبش آرام گرفت و خیالش راحت شد. بالاخره ریحانه مال او شده بود. هدیه‌ای که بالاخره خواهر حضرت به او داده بود. به خدمتگزار کوچکش... .

الهه ارجمندی راد| صدای ضربان قلبش را می‌شنید. انگار قلبش در سینه‌اش بالا و پایین می‌رفت. هیچ وقت در زندگی چنین لحظه شاد و پرهیجانی را تجربه نکرده بود. انگار یکهو قد کشیده و سال‌ها بزرگ‌تر شده بود. مادر دستش را گرفت و حلقه ریحانه را در جیب کتش گذاشت تا بعد خطبه دستش کند. بعد هم با محبت پیشانی‌اش را بوسید و گفت: «مبارکت باشد پسرم». چقدر خوشحال بود که مادر، ریحانه را برایش پسند کرده بود و خیلی دوستش داشت. تا امروز مادر همه کسش بود. جای خالی پدر، برادر، خواهر و حتی صمیمی‌ترین دوست را هم برایش پر کرده بود. انگار اصلا تفاوت نسلی و اختلاف سنی نداشتند. کاملاً درکش می‌کرد. شاید برای همین بود که می‌دانست دقیقاً چطور همسفری می‌خواهد و همان را برایش پیدا کرده بود که با او حسابی جور بود. هفته پیش بود که شیرینی جلسه آخر خواستگاری را خوردند و این یعنی عروس خانم و خانواده‌اش رضایت آخر را داده بودند. چقدر همه چیز خوب و سریع جلو رفته بود. اینکه همزمان شغلش رسمی شود و از پایان‌نامه فوق‌لیسانسش دفاع کند

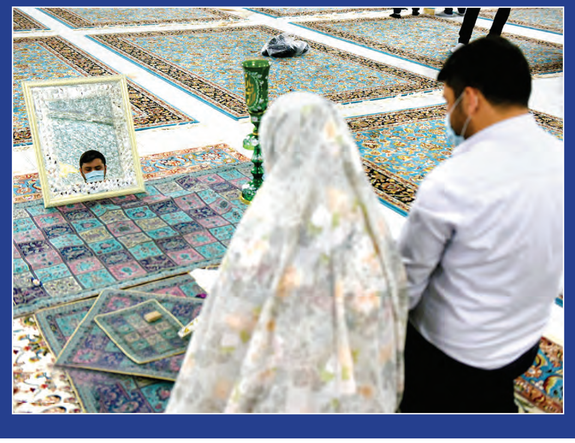

همسفری که هدیه حضرت بود

عکس: علی کریمی رستگار

عکس نوشت

فضای مجازی

پس از درخواست همیاری میثم مطیعی

درخواست مهدی رسولی از هیئت‌ها برای حل مشکلات خوزستان

روا|ق: تیرماه ۱۴۰۰ بود که گلایه مردم خوزستان از بی‌آبی، قلب هر ایرانی به خصوص جهادگران که قلبشان همواره برای هموطنان خود می‌تپد را به درد آورد.

از جمله این جهادگران مداحان و ستایشگران جوان خاندان عصمت و طهارت(ع) بودند که همزمان با دهه ولایت و امامت مراسم‌های خود را تعطیل کردند و برای پیگیری مطالبات بحق مردم عازم خوزستان شدند.

یکی از آن مداحان مهدی رسولی است که در این سفر حضور داشت، وی شب گذشته با انتشار پیام ویدئویی، منطقه خوزستان را یکی از خارق‌العاده‌ترین استان‌های کشور دانست و اظهار کرد: ما به جهات مختلف مدیون این استان هستیم.

این مداح جوان با اشاره به اینکه مشکلات خوزستان مربوط به یکی دو روز نمی‌شود، عنوان کرد: مشکلات خوزستان ریشه‌ای است، این استان بسیار ثروتمند و دارا بوده اما آن چیزی که به چشم می‌آید و دیده می‌شود و واقعیت دارد این است که حق مردم این خطه ادا نشده است؛ بنابراین باید حق این مردم ادا شود و امیدوار هستیم که کمک مسئولان این اتفاق رخ دهد هر چند که انجام این مهم، کار یکی دو روز نیست و باید سال‌ها برای ادای این حق تلاش کرد.

وی افزود: ما در حد توان و امکانات خودمان آمده‌ایم تا کاری برای مردم این استان انجام دهیم و معتقد هستیم با این اقدام خداوند متعال عنایت‌ها و برکت‌های خود را نصیبمان می‌کند.

رسولی بیان کرد: از مناطق مختلف خوزستان بازدید و قرار شد برای رفع مشکلات شهر نورانی خرمشهر منطقه محرزی اقداماتی صورت بپذیرد بر همین اساس از هیئتی‌ها و مداحان درخواست می‌شود در راستای تعویض سیستم لوله‌کشی آب این روستا وارد میدان عمل شوند تا بخشی از مشکلات مردم استان حل گردد؛ کارهای جدی‌تر برعهده مسئولان است و این مهم را مطالبه خواهیم کرد تا این اتفاق رقم بخورد.

اخلاق اسلامی

پیامدهای ماهواره در سبک زندگی اسلامی_ایرانی

تناقض و عدم تطابق بسیاری از برنامه‌های ماهواره با آموزه‌های دینی و فرهنگی کشورمان، حقیقتی است که بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست. این مغایرت موجب شده در سبک زندگی بسیاری از مخاطبان این رسانه، اختلال‌های بزرگ و متعددی ایجاد شود به طوری که متأسفانه جبران بعضی از آن‌ها امکان‌پذیر نیست. برخی از پیامدهای منفی استفاده از ماهواره در سبک زندگی اسلامی- ایرانی عبارت‌اند از:

۱- تغییر سبک زندگی ایرانی- اسلامی و سبک‌سازی به شیوه غرب که با زدودن حیا و عفاف از زن ایرانی و غیرت‌زدایی از مردان ایرانی میسر می‌شود و نمود آن در سبک پوشش، غذا، گفتار و رفتار مجریان برنامه‌ها و بازیگران فیلم‌ها و سریال‌ها و تبلیغات آنان مشهود است.

۲- تضعیف جایگاه خانواده و روابط عاطفی اعضای خانواده، با عادی جلوه دادن روابط زوج‌های متأهل با دیگران، خیانت و عدم تعهد زوجین در سریال‌ها و نشست‌های کارشناسی، کاهش دادن ارتباطات کلامی بین اعضای خانواده و...

۳- تبدیل شدن ضدارزش‌ها به ارزش، از طریق اشاعه هنجارهای فرهنگی غربی بین خانواده‌ها و تضعیف کارکردهای خانواده، ارائه تصویری سیاه از ازدواج و در نتیجه افزایش سن ازدواج، بی بند و باری فکری و فرهنگی، جایگزین شدن ارزش‌های اخلاقی غلط به جای ارزش‌های اسلامی از طریق سریال‌ها، سبک پوشش، گفتار و رفتار مجریان و محتوای میزگردها و نشست‌ها.

۴- ارائه الگوی غربی به خانواده‌ها، اشاعه مصرف‌گرایی، برهنگی، تجمل‌گرایی، مدگرایی، همجنس‌بازی، مشروع بودن روابط دو جنس مخالف و ترویج و عادی‌سازی خیانت زوجین نسبت به یکدیگر در قالب برنامه‌ها، فیلم‌ها و آگهی‌ها.

۵- تغییر هویت زنان مسلمان، ارائه چهره جدیدی از اسلام موسوم به اسلام آمریکایی و بازتعریف هویت زن مسلمان در این قالب.

۶- تبلیغات ضددینی و القای شبهات و در نتیجه تضعیف روحیه دینداری و ایجاد حس بدبینی در میان مخاطبان ماهواره. آمارها و تجربه ثابت کرده میزان دینداری در میان کسانی که مخاطب ماهواره هستند، بسیار کمتر از کسانی است که از ماهواره استفاده نمی‌کنند. تأمل‌پذیر در پیامدهای منفی شبکه‌های ماهواره‌ای درستی این مدعی را بیشتر روشن می‌سازد.

۷- زمینه‌سازی برای بی‌میلی نسبت به تشکیل خانواده و فرزندآوری و در نتیجه کاهش جمعیت. ماهواره با تبلیغ لذت‌های فردی و ترویج سبک زندگی فردگرایانه، این باور را در بعضی از مردم ایجاد می‌کند که در مرحله اول، ازدواج و پس از آن داشتن بچه به معنای محدود شدن است. بنابراین برای مصون ماند

ان الله یبغض القیل و القال و اضاعه المال و کثره السئوال

به درستی که خداوند، داد و فریاد و تلف کردن مال و پُرخواهشی را دشمن می‌دارد.

رواق ۴ قدس

خبر ویژه

قدردانی نماینده ولی فقیه در خوزستان از خدمات آستان قدس رضوی

به گزارش آستان‌نیوز، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالنبی موسوی‌فرد در جریان ویژه‌برنامه عیدانه توزیع غذای متبرک حضرت رضا(ع) در استان خوزستان اظهار کرد: در ایام عید سعید غدیر، مسئولان بنیاد کرامت رضوی به نمایندگی از خادمان بارگاه منور رضوی ۱۲۵ هزار وعده غذای متبرک حضرت رضا(ع) را بین مردم صبور شهرستان‌های مختلف این استان توزیع کردند که مایه دلگرمی بود.

وی ادامه داد: در چند سال اخیر، آستان قدس رضوی با اجرای انواع طرح‌ها در شهرهای مختلف استان خوزستان، نقش مؤثری در مرتفع کردن محرومیت مردم داشته از جمله اینکه از آغاز شیوع کرونا در چند مرحله عملیات تهیه و توزیع بسته‌های معیشتی توسط بنیاد کرامت رضوی و با مشارکت خادمیاران عضو کانون خدمت رضوی در استان خوزستان صورت گرفته است.

به گفته حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی‌فرد، اجرای پروژه‌های زیرساختی نظیر آغاز دو پروژه ساخت اورژانس بین‌جاده‌ای و نیز بازسازی و بهسازی بخش زایمان بیمارستان علامه در شهر هویزه در دهه کرامت امسال در شرایطی که مردم این شهر از نظر دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی به خاطر فقدان مراکز درمانی به‌روز و مجهز بسیار در مضیقه بودند، قابل قدردانی است.

علوم رضوی

فصلنامه علمی امام رضا(ع) و علوم روز

مجوز رسمی انتشار «فصلنامه علمی امام رضا(ع) و علوم روز» توسط دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) اخذ شد. از جمله اهداف این مجله می‌توان به تولید محتوا و تدوین دستاوردهای علمی جدید مبتنی بر علوم، معارف و سیره عملی امام رضا(ع) اشاره کرد. این مجله در محورهای مختلف از جمله امام رضا(ع)، ارتباطات و تبلیغ دینی، امام رضا(ع) و اقتصاد، حقوق، روان‌شناسی و علوم تربیتی، علوم پزشکی و سلامت، هنر و معماری و... پذیرش مقاله خواهد داشت. علاقه‌مندان و پژوهشگران برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فعالیت‌های دبیرخانه بین‌المللی امام رضا(ع) و علوم روز و مجله علمی می‌توانند به آدرس http://Science.imamreza.ac.ir مراجعه کنند.

درباره «رادکان» که روزگاری در مسیر کاروان‌های زائران حرم رضوی بود

منزلگاه تاریخی زائران ثامن‌الحجج علیه‌السلام

محمدحسین نیکبخت

زنده‌یاد استاد عزیزالله عطاردی، مورخ و پژوهشگر بزرگ معاصر، در کتاب ارزشمند «فرهنگ خراسان» می‌نویسد: «رادکان در گذشته بر سر راه کاروان‌هایی بوده که از خبوشان(قوچان)، جرمقان(بجنورد)، جرجان(گنبد کاووس) و استرآباد(گرگان) و یا نواحی غربی خوارزم به طوس و سرخس می‌رفته‌اند و تا حدود ۵۰ سال پیش رادکان یکی از منازل کاروانیان و مسافران و زائران امام رضا(ع) بود و در منطقه اهمیت و شهرت فراوانی داشت».

برای بیشتر اهالی مشهد و شهرهای مجاور آن، رادکان مکانی شناخته شده و دیدنی است؛ هر چند که زائران امام رضا(ع)، امروزه اطلاع چندانی از آن ندارند و بی آنکه نامش را بشنوند، مسیر زیارتی را طی می‌کنند و به حرم مطهر مشرف می‌شوند؛ اما دور نیست زمانی که نام رادکان، دل کاروانیانی را که از نقاط دوردست به سوی مشهد رهسپار بودند، به تپش وامی‌داشت و شوق زیارت و دیدار مضجع شریف عالم آل‌محمد(ع) را در دلشان صدچندان می‌کرد؛ رادکان، یکی از واپسین منزلگاه‌های کاروان‌های زیارتی، پیش از رسیدن به مشهدالرضا(ع) بود.

در صفحه رواق امروز، می‌خواهیم درباره تاریخ این منزلگاه کهن، بیشتر بدانیم و بخوانیم.

گزیده

برای بیشتر اهالی مشهد و شهرهای مجاور آن، رادکان مکانی شناخته شده و دیدنی است؛ هر چند که زائران امام رضا(ع)، امروزه اطلاع چندانی از آن ندارند و بی آنکه نامش را بشنوند، مسیر زیارتی را طی می‌کنند و به حرم مطهر مشرف می‌شوند.

■ **یک منزلگاه و زیستگاه باستانی**

رادکان یکی از مناطق تاریخی و بسیار شناخته شده خراسان در طول تاریخ است؛ دلیل این شهرت، آب و هوای فوق‌العاده عالی و مرغزارهای سرسبز و وسیع آن بوده. «اصطخری» در کتاب «مسالک و ممالک»، از رادکان به عنوان یکی از آبادی‌های کهن طوس یاد می‌کند. گزارش او نشان می‌دهد که قدمت رادکان، به دوران پیش از اسلام می‌رسد و این امر، با توجه به موقعیت طبیعی و شرایط اقلیمی آن، کاملاً قابل پذیرش است.

ابوسعد سمعانی، تاریخ‌نگار برجسته خراسان در کتاب «تاریخ مرو» می‌نویسد: «رادکان شهر کوچکی در بالای طوس است و گروهی از اهل علم و فضل از آن‌جا برآمده‌اند. گفته می‌شود ابوعلی حسن بن اسحاق معروف به نظام‌الملک طوسی از این ناحیه بوده‌است». رادکان در طول تاریخ، چند بار تغییر مکان داده، اما از محدوده قدیمی خودش خارج نشده‌است. در این منطقه، افزون بر قلعه‌های مستحکم، تعداد زیادی کاروانسرا هم وجود داشت که از دیرباز مورد استفاده مسافران بود. برخی از جهانگردان مشهور جهان اسلام، مانند ابن‌بطوطه، از رونق این کاروانسراها گفته‌اند.

■ **میزبانی از زائران مشهدالرضا(ع)**

به نظر می‌رسد که با آغاز دوره صفویه، فضای رادکان بیش از گذشته به منزلگاهی برای کاروان زائران حرم رضوی تبدیل شد. مرغزار این منطقه، مکانی عالی برای توقف کاروان‌ها بود.

زمین حاصلخیز آن می‌توانست مایحتاج سفر زائران را فراهم کند و چمنزارهای وسیع و معروفش، چراگاه چهارپایانی بود که مسافران را به منزلگاه نهایی می‌رساندند.

اسکندربیک منشی در کتاب «عالم‌آرای عباسی» به توقف کاروان شاه‌عباس برای استراحت در این ناحیه و شکار در آن اشاره کرده‌است.

طبق گزارش اسکندربیک، کاروانیانی که عزم سفر به مشهد را داشتند، حتماً در رادکان توقف می‌کردند و از هوای خوب و نعمات فراوان آن، بهره‌مند می‌شدند.

اگر چه پیش از قدرت گرفتن نادرشاه، منطقه رادکان توسط افغان‌ها و به منظور استفاده نظامی از آن، محصور شد و از ورود زائران به این مکان جلوگیری گردید، اما طبق نوشته ابوالحسن گلستانه در «مجمل‌التواریخ»، بلافاصله بعد از تسلط حکومت افشاریان بر منطقه، رادکان از حالت محصور خارج و دوباره به منزلگاه زائران حرم رضوی تبدیل شد.

در دوره قاجار، رادکان رونق بسیاری داشت و با توجه به تثبیت شدن مسیر کاروان‌ها طی چند قرن، به عنوان منزلگاهی شناخته شده در میان همه کسانی که عزم زیارت حرم مطهر را داشتند، معروف بود.

طبق گزارش اعتمادالسلطنه در «مطلع‌الشمس»، طی این دوره، یعنی در حدود سال ۱۲۶۰ خورشیدی، رادکان قصبه‌ای با بیش از هزار خانوار جمعیت بود که شغل بخشی از آن‌ها، با خدمت به زائران ارتباط مستقیم داشت و اصولاً، عبور کاروان‌ها از این مسیر، سبب رونق فعالیت‌های مختلف و مورد نیاز زائران شده‌بود. ظاهراً در این زمان، آداب و رسومی هم در میان زائرانی که به رادکان می‌رسیدند، رایج بوده‌است. برخی از آن‌ها با ورود به این مرغزار، به ادای نذر که عمدتاً تهیه غذا برای مسافران طریق‌الرضا(ع) بود، می‌پرداختند و برای این کار، مکان‌هایی نیز در کاروانسراها ایجاد شده بود.

با این حال، این شور و هیجان، با ساخت جاده مشهد به قوچان و عبور این جاده از مسیری به جز رادکان، پایان یافت و فضای این منزلگاه کهنسال زائران حرم را تغییر داد.

امروزه رادکان به دلیل آثار باستانی قابل اعتنایی که دارد، مانند میل مشهور رادکان که برخی آن را از شاهکارهای خواجه نصیرالدین طوسی می‌دانند، مورد علاقه و توجه دوستداران آثار باستانی و مکان‌های فرهنگی و تاریخی است؛ اما ظاهراً این ویژگی بزرگ و مهم رادکان، یعنی میزبانی از زائران حرم مطهر رضوی، طی مدت چند قرن، چندان در یاد و خاطره‌ها نمانده‌است و امیدواریم که این نوشتار مختصر، در زنده کردن آن خاطرات معنوی و جذاب، مؤثر باشد.

آگهی ابلاغ دعوتنامه افراز

نظر به اینکه آقای محمدرضانظرمند فرزند علی جمعه نسبت به ۳۰۰سهم مشاع از ۱۹۸۰سهم ششدانگ پلاک ۱۳۰فرعی از۲۷۶اصلی واقع دراراضی فریمان بخش۱۳مشهددرخواست افراز مالکیت مشاعی خویش رانموده است. لذا نماینده ونقشه برداراین اداره در ساعت۹صبح روزیکشنبه مورخ ۱۴۰۰.۵.۳۱ جهت اجرای عملیات افرازبمحل وقوع ملک عزیمت می -نمایند بدینوسیله به‌سایرمالکین مشاعی که برابراعلام متقاضی مجهول المکان می باشند دراجرای ماده۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی ابلاغ می گردد که درتاریخ فوق الذکردرمحل وقوع ملک حضور بهم رسانند.بدیهی است عدم حضورمالکین مشاعی مانع ازانجام عملیات افرازنخواهدشد.ضمنانقشه وصورت مجلس افرازی متعاقباآگهی خواهدشد.آ ۱۴۰۴۱۶۹

محمدرضارجایی مقدم-رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان

آگهی تحدیدحدوداختصاصی

حوزه ثبتی سبزوار

پیرواآگهی تحدیدحدود قبلی که بموجب مقررات ماده۱۴قانون ثبت منتشر گردیده اینک برحسب درخواست واصله مستندبه ماده مذکور وماده۶۱آیین نامه قانون ثبت تحدیدحدود یکقسمت از املاک واقع در بخش۱۲سبزوارحوزه ثبتی این واحدثبتی بشرح ذیل میباشد:

بخش۱۲سبزوار-پلاک۵-اصلی-مزرعه فتح آباد

۱۲۲۲فرعی جداشده از۲۹۱فرعی-ششدانگ یکباب منزل-مهدی عباسی فرزند محمدحسین

تاریخ تحدید:دوشنبه ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ ساعت۸صبح انجام خواهدشد.

لذابه موجب ماده۱۴قانون ثبت املاک به صاحبان املاک ومجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میگرددکه درروزوساعت مقربالادرمحل حضوربهم رسانندچنانچه هریک ازصاحبان املاک یانماینده قانونی آنهادرموقع مقرراحاضرنباشندمطابق ماده۱۵قانون مزبورملک موردآگهی باحدوداظهارشده ازطرف مجاورین تحدیدخواهدشدواعتراضات مجاورین نسبت به حدودوحقوق ارتفاقی ونیزصاحبان املاک که درموقع مقرراحاضرنبوده اند مطابق ماده۲۰قانون ثبت فقط تا ۳۰روزازتاریخ تحدیدحدودپذیرفته خواهدشدوداجرای تبصره۲ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی معترضین میبایست ازتاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یکماه دادخواست اعتراض خودرابه مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم وگواهی لازم ازمرجع مذکوراخذ وبه این اداره تسلیم نمایندر غیراینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست رادریافت و به اداره ثبت تسلیم نمایداداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی رابارعایت مقررات ادامه می دهد. اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی رابارعایت مقررات ادامه می دهد. (م الف ۱۴۰۰/۹۱۴)

تاریخ انتشار:یکشنبه ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ ۱۴۰۴۱۶۶آ

علی آب باریکی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سبزوار

آگهی ابلاغ تثبیت حدود

با توجه به تقاضای آقای محمدرضا شبان وکیل وراث مرحوم محمد ابراهیم شبان جهت درخواست سند ششدانگ ملک پلاک ۳۰ فرعی از ۱۳۲ اصلی اراضی کارده بخش ۱۱ مشهد بدینوسیله به مجاورین این پلاک اعلام میگردد که عملیات تثبیت حدود پلاک مذکور ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۱۹ در محل صورت می‌پذیرد لذا شایسته است چنانچه در مورد حدود و ثغور ملک خویش با پلاک مذکور حقی قائل هستید در موعد مقرر در محل حضور بهم رسانید. عدم حضور مانع از انجام عملیات نخواهد بود.آ ۱۴۰۴۱۶۳ م الف ۷۶۶ تاریخ انتشار:۱۴۰۰/۰۵/۱۰

محمد مقدسی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۴ مشهد

آگهی تحدید حدود اختصاصی حوزه ثبتی منطقه پنج مشهد

پیروآگهی تحدید حدود قبلی که به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده است. اینک برحسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین نامه ثبت تحدید حدود یک قسمت از املاک واقع در بخش ۹ حوزه ثبتی این واحد به شرح زیر:

۱۰۱ فردی از ۶۴ اصلی بنام موسی الرضا عباسی استاج

ششدانگ یک قطعه زمین واقع در مشهد- خیابان رسالت شمالی- اول جاده سیمان- رسالت ۸۵- کوچه مهر۴ -پلاک ۸۵ در مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ در محل انجام خواهد شد.

لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به مجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میگردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور بهم رسانند. چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا ۳۰ روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحد قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی، معترضین می‌بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند.آ ۱۴۰۴۱۶۴ م الف ۷۶۷ تاریخ انتشار:۱۴۰۰/۰۵/۱۰

حمیدرضا افشار- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه پنج مشهد مقدس

آگهی تحدید حدود اختصاصی

حوزه ثبتی قاینات

پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده، اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین نامه قانون ثبت تحدید حدود قسمتی از املاک واقع دربخش ۱۱ حوزه ثبتی این واحد به شرح ذیل:

بخش ۱۱ قاینات

قطعات مفروزه مزرعه کهناب ۱۲۶۶- اصلی:

۲۹۷۹ فرعی موسی فارسی ششدانگ یک قطعه زمین در روز ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ انجام خواهد شد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به صاحبان املاک و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار می گردد؛ که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ ساعت ۸ الی ۱۰ صبح در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند، چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند؛ مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود وحقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند؛ مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا ۳۰ روز از تاریخ انتشار اولین آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. و برابر ماده ۸۶ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت، معترضین می بایست؛ از تاریخ تسلیم اعتراض خود به اداره ثبت اسناد و املاک قاینات ظرف یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور أخذ و به این اداره تسلیم نمایند، در غیر این صورت متقاضی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت هم بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را طبق مقررات ادامه می دهد.آ ۱۴۰۴۱۶۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی"

برابر رای صادره شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۲۰۰۰۲۳۷ - ۱۴۰۰/۰۳/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی قاین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم فاطمه اسماعیل نژاد (از محل مالکیت مشاعی خودش و سید محمدعلی فقیه) فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۲۶ صادره از قائن بشماره ملی ۰۸۸۸۹۸۶۱۷۳ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۵۷/۱۰ متر مربع بمساحت ۸۵۷/۱۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۸۴۰ فرعی از ۱۵۸۹-اصلی بخش ۱۱ قاین مزرعه فرخ آباد محرز گردیده است.

لذا بمنظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات اسناد مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۴۱۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰.۰۵.۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰.۰۵.۲۶

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

"آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد و سند رسمی"

برابر رای صادره شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۲۰۰۰۴۲۴ - ۱۴۰۰/۰۴/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی قاین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای محمدحسن زعفرانی (از محل مالکیت ردیف ۲۴ و ۲۷ سهام آب کهناب که مجهول می باشد) فرزند غلامحسین بشماره شناسنامه ۲۶۲ صادره از قائن بشماره ملی ۰۸۸۹۰۰۷۴۹۷ در ششدانگ قسمتی از یکباب ساختمان دو طبقه بمساحت سه متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲۶۶ -اصلی بخش ۱۱ قاین مزرعه کهناب واقع در خیابان شهید صدوقی محرز گردیده است.

لذا بمنظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات اسناد مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۴۱۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰.۰۵.۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰.۰۵.۲۶

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

"آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد و سند رسمی"

برابر رای صادره شماره ۱۹۹ ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۲۰۰۰ - ۱۴۰۰.۰۳.۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی قاین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم بتول امین زاده (از محل مالکیت آقای حسین شکری) فرزند احمد بشماره شناسنامه ۲۳۰ صادره از قائن بشماره ملی ۰۸۸۸۹۹۸۷۳۲ در ششدانگ یک قطعه باغ بمساحت ۱۵۹۶.۷۷ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۱۲۶۹ -اصلی بخش ۱ ۱ قاین واقع در اراضی شاهیک محرزگردیده است.

لذا بمنظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرابه مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات اسناد مالکیت صادر خواهد شد.آ ۱۴۰۴۱۶۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰.۰۵.۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰.۰۵.۲۶

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۱۵۵۸مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خانم فریبا رحیمی رشت آبادی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۱۵ صادره از اسلام آباد در قریه شالکو در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۲۱۵/۵۹ متر مربع پلاک فرعی ۴۰۵۵۸ از اصلی ۷۷ مفروز مجزی از پلاک ۳۴۴ باقیمانده از اصلی ۷۷ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای محمد مهدی تجاوزی شالکوهی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۴۵ آ۱۴۰۴۱۵۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

سعید بدوی-سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت-از طرف یعقوب شیدیان اکبر

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۳۱۶۸مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خانم سیده مریم کیائی فرزند سید معین به شماره شناسنامه ۶۷۰ صادره از رشت در قریه شالکو در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۱۰۱/۲۰ متر مربع پلاک فرعی ۴۰۵۵۵ از اصلی ۷۷ مفروز مجزی از پلاک ۳۴۷ از اصلی ۷۷ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای سبز علی محبت دوست محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۴۷ آ۱۴۰۴۱۵۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

سعید بدوی-سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ رشت -از طرف یعقوب شیدیان اکبر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه وبلا معارض آن محرزو رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد. خانم نجیبه خوشدل کلاته ای به شناسنامه شماره۰۷۲۰۱۳۹۶۴۳ کد ملی۰۷۲۰۱۳۹۶۴۳ صادره تربت جام فرزند محمد در شش دانگ یک باب منزل به مساحت ۳۳۱،۵۰ متر مربع پلاک شماره ۲۸۱فرعی از۲۷۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت محمد عمر حلیم گزیه ئی قسمتی از پلاک کلاسه۲۱۷-۹۸ لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشرتا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و رسید اخذنمایندمعترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در اینصورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و درصورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید وصدورسندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.آ ۱۴۰۴۱۵۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

رئیس ثبت اسنادواملاک تایباد - غلامرضا آقازاده

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد. خانم فاطمه مومنی گزی به شناسنامه شماره ۱۳۵ کد ملی۰۷۴۹۴۱۵۹۱۶ صادره تایباد فرزند عبدالکریم در شش دانگ یک باب منزل به مساحت۲۷۶،۲ مترمربع پلاک شماره ۲۸۱ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت محمدعمر حلیم گزیچه ئی و قسمتی از پلاک کلاسه ۲۱۵-۹۸لذا به موجب ماده سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.آ ۱۴۰۴۱۵۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

رئیس ثبت اسنادواملاک تایباد - غلامرضا آقازاده

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد: خانم فاطمه مومنی گزی به شناسنامه شماره ۱۳۵ کد ملی۰۷۴۹۴۱۵۹۱۶ صادره تایباد فرزند عبدالکریم در شش دانگ یک باب منزل به مساحت۳۲۴،۸۰ متر مربع پلاک شماره ۲۸۱ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت محمد عمر حلیم گزیچه ئی و قسمتی از پلاک کلاسه ۲۱۶- ۹۸ لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرا اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخوا